

# کتاب

## سه دختر گل فروش در ساحل دودآلود تهران!

مجید قیصری و پیوند جنگ و ادبیات

ناقصه سادات شه‌پوش  
خبر

ادبیات جنگ یکی از انواع مهم ادبی به شمار می‌رود. ویژگی آثاری که در زمره این گونه ادبی قرار می‌گیرند طیف وسیعی دارد و از شرح مستقیم مبارزات افراد و گروه‌ها تا بیان معضلات فردی و اجتماعی پس از جنگ را شامل می‌شود. در ایران نیز حسین و پس از جنگ هشت ساله تحمیلی ادبیات جنگ تحت عناوینی چون ادبیات پایداری و مقاومت مورد توجه بسیاری از نویسندگان قرار گرفت. یکی از نویسندگان برجسته این حوزه مجید قیصری است.



که آجرهای نمای خانه‌های دهه شصت تبدیل به نمای رومی شده و ترک‌های حاصل از بمباران با کاغذ دیواری‌های گل‌دار پوشانده شده‌اند. به زعم قیصری آثار جنگ هنوز ادامه داشته و ترکش‌هایش نه فقط بر زندگی کسانی که مستقیم با آن درگیر بوده‌اند فرود می‌آید؛ بلکه نسل بعدی نیز با مسائلی که هر یک به نوعی با جنگ مرتبط‌اند، دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ساحل تهران داستان‌هایی دارد که علاوه بر شهر و جنگ، کودک را محور قرار داده است. تأکید نویسنده بر حضور پرنسپل فرزندان نسل جنگ در داستان‌های این مجموعه در پیچه تازه‌ای رو به خواننده می‌گشاید. در این داستان‌ها ما با کودگانی مواجه می‌شویم که هیچ‌گاه صدای آژیر قرمز و هشدار رفتن به پناهگاه را نشنیده‌اند و هرگز چسب‌های کاغذی روی پنجه‌های خانه‌شان نبوده؛ ولی والدینشان کسانی‌اند که هنوز از مشقت‌های دوران جنگ رنج می‌برند؛ رنج‌هایی که نه فقط برتن زخمی‌شان باقی مانده بلکه روحشان را نیز درگیر خود کرده است. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «دختر با عجله چند پله بالا آمد و گفت: «پدرم یکی رو می‌خواد که باهاش حرف بزنه.»

مرد گفت: «توی مجتمع کسی نیست؟»  
دختر گفت: «یکی رو می‌خواد که از سربازای زمان جنگ باشه.»

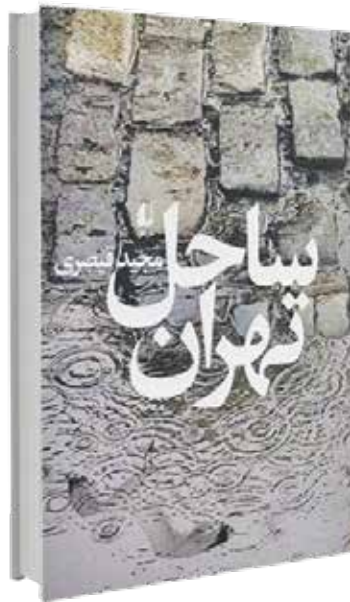
نگاه دختر به جای خالی پای مرد بود.  
... مرد گفت: «از چی؟ از کی؟»  
دختر گفت: «از جنگ. فقط حرف بزنین. خاطره بگین. نمی‌دونم بقیه از چی حرف می‌زدن، فقط حرف می‌زدن...»  
سخن آخر اینکه اگر جزو آن دسته از کتابخوان‌هایی هستید که در سبب مطالعاتی‌شان کتاب‌های مناسبی جایگاه خاص خود را دارد، سه دختر گل فروش و ساحل تهران انتخاب‌های مناسبی برای هفته دفاع مقدس به شمار می‌روند.

مجید قیصری نویسنده‌ای پرکار است که به واسطه حضورش در جنگ درون‌مایه بسیاری از آثارش را این موضوع تشکیل می‌دهد. قیصری این بخش از تجربه زیسته دوران نوجوانی خود را با دانش حاصل از رشته تحصیلی‌اش، روان‌شناسی، درهم آمیخته و آثار متعددی در حوزه ادبیات جنگ و دفاع مقدس خلق کرده است. سه دختر گل فروش یکی از آثار قیصری در این زمینه است.

سه دختر گل فروش از لحاظ گستردگی توجه به مسائل مختلف حول جنگ، تکنیک خوشه‌بندی را به ذهن متبادر می‌کند. گابریله ال. ریکو در کتاب نوشتن خلاق، تکنیکی به نام خوشه‌بندی را مطرح کرده. در این روش، نویسنده کلمه‌ای را به عنوان هسته مرکزی در نظر گرفته و در دایره‌ای میان صفحه می‌نویسد؛ سپس به صورت طوفان فکری هر کلمه مرتبط با هسته را در دایره‌های جدا نوشته و به هسته مرکزی یا شاخه‌های آن وصل می‌کند. به این ترتیب شبکه گسترده‌ای از موضوعات مرتبط با هسته اصلی در قالب شکلی شبیه گراف ساخته می‌شود. این گراف ذهن نویسنده را برای نوشتن حول یک موضوع باز کرده و به او دیدی از بالا می‌دهد. قیصری نیز در این کتاب نگاهی کلان و جامع به ابعاد متعدد جنگ داشته و روایتی منحصر به فرد از شخصیت‌هایی را که در ذهن مخاطب باقی می‌مانند، ارائه کرده است.

زویایی که قیصری در هر کدام از ۲۶ داستان کوتاه و یک داستان بلند کتابش به آنها پرداخته در عین وحدت حول محور جنگ به ورطه تکرار نیفتاده‌اند و این نقطه قوت سه دختر گل فروش به شمار می‌رود. ویژگی مهم دیگری که این کتاب را از سایر آثار مشابه متمایز می‌کند این است که موضوع بسیاری از داستان‌های کتاب از کلیشه‌های روایت‌های جنگ و دفاع مقدس فاصله گرفته و چهره جدیدی از آن را به خواننده نشان می‌دهند؛ سوژه‌هایی از قبیل دزدی از مناطق جنگ‌زده، کمک به اسرای عراقی، شناسایی منطقه پیش از عملیات و تفحص از این جمله‌اند.

قیصری سال‌ها پس از موفقیت چشمگیر سه دختر گل فروش که نامزد جایزه شهید غنی‌پور و جایزه ادبی مهرگان شده و جایزه چهارمین دوره قلم‌زرین را نیز از آن خود کرده در سال ۱۴۰۰ مجموعه دیگری به نام ساحل تهران را با مرکزیت جنگ نوشته است. او این بار با روزهای جنگ فاصله گرفته و در باه‌و‌اکاوی زندگی پساجنگ می‌پردازد. نویسنده به دور از مقدس‌پنداری جنگ، واقعیت‌های تلخ آن را بازنمایی کرده و داستان‌هایش را در زمانی که دیگر ویرانی‌های ظاهری جنگ از شهرها رخت بسته شکل می‌دهد؛ زمانی



در تقابل سنت و مدرنیته!

محمدعلی یزدانبار

دبیر گروه کتاب

Mohammadaliyazdanyar@gmail.com



**اول.** برخی اخلاق‌های من متأسفانه و بسیار متأسفانه شبیه این بریتانیایی‌های استعمارگر بی تربیت است.

مهم‌ترینش این است که من اهل حفظ سنت‌ها هستم و اگر چیزی آن حالت اولیه خودش را از دست بدهد، حال ناخوشی به اینجانب دست خواهد داد. در مورد مطبوعات و رسانه‌های نوشتاری هم همیشه در برابر تغییرات صفحه‌آرایی و شکل و فرم و بقیه مسائل فنی مجله و روزنامه مقاومت زیادی داشتم. من خواننده دوست دارم که بدانم جای هر چیزی کجاست و هر هفته هم همانجا باشد! حالا اما من به عنوان دبیر گروه کتاب خودم در مرکز ماجرای هستم در همین مورد. بله! قطعاً متوجه شده‌اید که قطع و فرم هفته‌نامه از همین شماره‌ای که در دست گرفته‌اید، تغییر کرده است. حالا من بین علائقی شخصی و وظایف حرفه‌ای گیر کرده‌ام. در مورد علائقی شخصی که مفصل صحبت کردم، وظایف حرفه‌ای اما ایجاب می‌کند که به اطلاع همه شما برسانم قطع و نوع و کیفیت چاپ هفته‌نامه در صفحه‌آرایی جدید به شکل معناداری بهتر از نوع قبلی است، حمل و نقلش آسان‌تر، ماندگاری‌اش بیشتر و حتی آرشيو کردنش - اگر مثل من اهل آرشيو بازی هستید - لذت بخش‌تر است. صرفاً می‌ماند همان مسأله سنت و عشق به ایستایی که این یکی هم به خواست خدا با مرور زمان برطرف شده و قطع و شکل جدید ما تبدیل به سنتی خواهد شد که از تغییرش ناراحت بشوم! خلاصه که من به عنوان بخش کوچکی از تحریریه ایران جمعه امیدوارم که این تغییرات جدید مورد پسند همه شما دوستان قرار بگیرد.

**دوم.** در شماره قبلی و در همین ستون نوشتیم که قرار است دو مطلب از یک نویسنده توسط خانم مهدیه جاهد بررسی شوند. متأسفانه به دلیل فنی و تکنیکی یکی از مطالب به چاپ نرسید - و مطلب به شهادت رسید! - و ما شرمند شما شدیم، از همین ستون بابت اینکه فراموش کردم ستون دبیر را اصلاح کنم، معذرت می‌خواهم. دفعه بعدی اگر به هر دلیلی مطلبی به چاپ نرسید همه جا را چند بار چک خواهیم کرد! قول!



وظایف حرفه‌ای اما ایجاب می‌کند که به اطلاع همه شما برسانم قطع و نوع و کیفیت چاپ هفته‌نامه در صفحه‌آرایی جدید به شکل معناداری بهتر از نوع قبلی است، حمل و نقلش آسان‌تر، ماندگاری‌اش بیشتر و حتی آرشيو کردنش - اگر مثل من اهل آرشيو بازی هستید - لذت بخش‌تر است